

## Meta-Synthesis of Iranian Society's Attitude Towards Dress and Hijab in Cultural and Social Studies

Zahra Abyar<sup>1</sup>, Mohsen Niazi<sup>2</sup>, Mohammad Mehrabi Koshki<sup>3</sup>

1. Assistant Professor, Isfahan Branch (Khorasgan), Islamic Azad University, Isfahan, Iran  
(Corresponding author). abyar.z114@gmail.com
2. Professor, Kashan University, Kashan, Iran. niazim@kashanu.ac.ir
3. PhD student, Department of Sociology, Kashan University, Kashan, Iran. mhmd-mehrabi@yahoo.com

### Abstract

Today, dress and hijab are the most visible identity markers of Muslim women in both national and international arenas, serving a symbolic role in interpersonal communication. Given that hijab and dress have become central issues for women post-revolution, extensive quantitative and qualitative studies have been conducted on this subject. The present study aims to provide a comprehensive examination of these studies to understand societal attitudes toward hijab and dress through qualitative research. Using the meta-synthesis method, studies from the past two decades that reflect attitudes towards hijab and dress in Iranian society were analyzed. The research scope included articles and theses indexed in academic databases. Over 500 articles, 300 master's theses, and approximately 15 doctoral dissertations on this topic were reviewed. From this, 17 articles, master's theses, and doctoral dissertations up to the year 2021 that reflected attitudes towards hijab and dress were selected for coding and analysis. Based on the findings, 163 core codes were extracted from 170 meaningful units and were repeatedly examined in a back-and-forth reading, resulting in 16 categories. "Cognitive Deficiency, Dual Policy-Making, Ineffective Action" were identified as underlying factors influencing attitudes towards the phenomenon of hijab and dress in the research. "Sloganism, Dual Resistance Mechanism, Objectification of Women" were recognized as influential factors, and the necessity of "Revising Legal Constraints and Shifting Discourse" emerged as a strategic category. Consequences and effects such as "Generational Challenges, Developed Manifestation, Hijab as a Tool, Emergence of Alternative Interpretations, Semantic Shift, Functional Hijab" were synthesized from the meta-analysis of relevant articles and theses, shaping the understanding of attitudes towards hijab and dress.

**Keywords:** Dress, Hijab, Modesty, Social Research, Iranian Society.

---

Received: 2023/09/03 ; Received in revised form: 2023/10/22 ; Accepted: 2023/11/12 ; Published online: 2024/03/29

© The Author(s).

Article type: Research Article

<https://gnoe.bou.ac.ir/>

Published by: The Scientific Association for Social Studies of the Seminary



## فرا ترکیب نگرش جامعه ایرانی به پوشش و حجاب در پژوهش‌های فرهنگی و اجتماعی

زهرا آبیاری<sup>۱</sup>، محسن نیازی<sup>۲</sup>، محمد مهرابی کوشکی<sup>۳</sup>

۱. استادیار، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران (نویسنده مسئول). abyar.z114@gmail.com

۲. استاد، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران. niazim@kashanu.ac.ir

۳. دانشجوی دکتری، گروه جامعه‌شناسی، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران. mhmd-mehrabi@yahoo.com

### چکیده

امروزه پوشش و حجاب، آشکارترین نشانه هویتی زن مسلمان در عرصه ملی و بین‌المللی بوده و به‌عنوان یک رسانه ارتباطی، نقشی نمادین در عرصه ارتباطات میان‌فردی برای آن، جایگاهی یافته است. با توجه به اینکه حجاب و پوشش بعد از انقلاب در میان صدر مسائل زنان قرار گرفته، شاهد مطالعات و پژوهش‌های گسترده کمی و کیفی در این زمینه هستیم. بررسی یکپارچه این پژوهش‌ها برای به دست آوردن نگرش به وضعیت حجاب و پوشش از طریق مطالعات کیفی هدف پژوهش حاضر است. از این‌رو با استفاده از روش فراترکیب مطالعات دو دهه اخیر که به‌نوعی بیانگر نگرش به حجاب و پوشش زنان در جامعه ایران بود، واکاوی گردید. جامعه مورد بررسی مقالات و پایان‌نامه‌های نمایه شده در پایگاه‌های علمی بود. بیش از ۵۰۰ مقاله و ۳۰۰ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و حدود ۱۵ رساله دکتری در این موضوع مطالعه گردید. از این تعداد ۱۷ مقاله، پایان‌نامه کارشناسی ارشد و رساله دکتری تا سال ۱۴۰۰ که نتایج آن منعکس‌کننده نگرش به حجاب و پوشش بود، بررسی و کدگذاری شد. مطابق نتایج حاصل، از میان ۱۷۰ واحد معنادر، ۱۶۳ کد محوری استخراج گردید و در یک خوانش رفت‌وبرگشت مورد مطالعه چندباره قرار گرفت و ۱۶ مقوله به دست آمد. «نارسائی شناختی، سیاست‌گذاری دوگانه، کنش ناکارآمد» به‌عنوان عوامل زمینه‌ای در نگرش به پدیده حجاب و پوشش در تحقیقات به دست آمد. «شعازدگی، اهرم مقاومت دوگانه، شی‌عوارگی زن» از عوامل تأثیرگذار و ضرورت «بازنگری تنگناهای قانونی و تغییر شیفت گفتمانی» از مقوله راهبردها به دست آمد. پیامدها و اثراتی چون «چالش‌های نسلی، تظاهر توسعه‌یافته، ابزارمندی حجاب، ظهور بدیل‌های خوانشی، چرخش معنایی، حجاب کارکردی» در سنتز فراترکیب مقالات و پایان‌نامه‌های مرتبط، نگرش به مقوله حجاب و پوشش را برساخته کرد.

**کلیدواژه‌ها:** پوشش، حجاب، عفاف، پژوهش‌های اجتماعی، جامعه ایرانی.

**استناد به این مقاله:** آبیاری، زهرا؛ مهرابی کوشکی، محمد (۱۴۰۳). فراترکیب نگرش جامعه ایرانی به پوشش و حجاب در پژوهش‌های فرهنگی و اجتماعی. مطالعات فرهنگی اجتماعی حوزه، ۸(۱)، ۴۳-۶۴.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۶/۱۲؛ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۲/۰۷/۳۰؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۸/۲۱؛ تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۰۱/۱۰



## ۱. مقدمه

پوشش و حجاب زنان، از جمله حوزه‌هایی است که در قبل و بعد از انقلاب و به‌ویژه در چند دهه اخیر ایران، مناقشات و تحولات گوناگونی را از سر گذرانده است. با ورود ایران به دوران مدرن و افزایش امکانات جدید ارتباطی، تغییرات ارزشی و هنجاری گسترده‌ای به تبع آن، در این حوزه نمود یافت؛ به نحوی که از یک سو سبب شکل‌گیری رویکردهای گفتمانی جدید شد و از سوی دیگر، تغییراتی را در گفتمان غالب به دنبال داشت. این تغییرات ارزشی سریع، جامعه ایران را در عرصه پوشش و حجاب زنان، با بیشترین واگرایی ارزشی و شکاف بین‌نسلی میان دهه‌های آغازین انقلاب و نسل سوم روبه‌رو کرد. هر اندازه که نسل‌های آغازین انقلاب، با این تغییرات همراهی نداشته و به ارزش‌های دینی و سنتی خود پایبند بودند و توانستند در مقابل این تغییرات ارزشی مقاومت کنند، به همان نسبت نسل سوم انقلاب، نسبت به سنج‌ها و الگوهای تجویزی حاکمیت دینی در عرصه پوشش و حجاب، با عدم تبعیت، خود را با چالشی اساسی مواجه دیدند. این امر بدان سبب بود که عدم تبعیت از الگوهای هنجاری ارائه شده از سوی متولیان اجرایی جامعه اسلامی، ضمن اینکه نشان از ضعف ارزش‌های دینی میان‌نسلی داشت، در عرصه بین‌المللی نیز به‌نوعی تضعیف اقتدار سیاسی را نشان می‌داد. در همین راستا، طی چند دهه اخیر و حتی چند سال گذشته، تدابیر مختلفی جهت تقویت مبانی حجاب و عفاف در جامعه در حال اجرا است.

علاوه بر این، باید توجه کرد که جامعه ایران، جامعه‌ای در حال گذر است که از یک سو به حجاب به‌عنوان مقوله دینی و نماد فرهنگی - اجتماعی می‌نگرد؛ به‌گونه‌ای که می‌توان گفت، پوشش و حجاب، آشکارترین نشانه هویتی زن مسلمان در عرصه ملی و بین‌المللی بوده و از سوی دیگر، به‌عنوان یک رسانه ارتباطی، نقشی نمادین در عرصه ارتباطات میان‌فردی برای آن قائل است؛ بدین معنی که بدن و به تبع آن پوشش و حجاب بدن، به‌عنوان وسیله‌ای ارتباطی، تقریباً به همان اندازه و گاه بیش از آن، پیام را منتقل می‌کند؛ تا بدان‌جا که انسان‌ها با شکل ظاهری خود، هویت خویش را به دیگران معرفی می‌کنند. از این نگاه، حجاب امری نیست که صرفاً به مقوله پوشش بدن فروکاسته شود، بلکه شامل زبان بدن، مدیریت بدن و آرایش بدن در عرصه کنش‌های غیرکلامی نیز می‌شود که ممکن است تحت تأثیر شرایط اجتماعی و فرهنگی دارای شکل و قالب متنوع، با جوهر و محتوایی یکسان یا برعکس باشد.

این چالش امروزه در محیط‌های آموزش دانشگاهی با افزایش سطح سواد نسبی و گستره ارتباطات دنیای مدرن، حرفی بیش از سایر قشرها برای گفتن دارد. دانشگاه محیطی است که افراد را هرچند کوتاه، از جایگاه اجتماعی جدا می‌کند و آن‌ها را در فضایی متکثر، از پذیرفتن تفاوت و دیدگاه‌های مختلف نسبت به اعیان فرهنگی و اجتماعی مختلف نظیر حجاب قرار می‌دهد. لذا، دانشگاه عرصه نزاع گفتمان‌های مختلف است و



دختران جوان به نسبت قرار گرفتن در این محیط، از هویت متکثری برخوردارند؛ بنابراین، بخش زیادی از این جوانان، زنان جوانی هستند که احساس می‌کنند داشتن پوشش و حجاب متناسب با الگوهای پذیرفته‌شده جامعه و دین‌دار بودن، با الزامات زندگی مدرن چون شیک بودن، زیبایی و جذب مخاطبان خاص خود، اصطکاک دارد و ذهنیات و پنداشته‌ها آنها از نوع، محدوده، مدل و حتی رنگ‌های پوششی، ناشنیده و نادیده مانده است. به همین دلیل این نسل در حال بازتعریف خود از پوشش و حجاب است؛ چیزی که با تعریف رسمی و غالب جامعه تفاوت بسیار آشکار و معناداری دارد. همچنین به نظر می‌رسد استدلال‌ها و توجیحات درون دینی در مورد حجاب نیز برای این قشر جوان، جذابیت و قدرت اقناع خود را از دست داده است.

اگرچه مسئله‌زا شدن حجاب و پوشش، ریشه در تحولات اجتماعی و سیاسی آغازین دوران پهلوی اول دارد؛ اما تا قبل از انقلاب اسلامی جز از سوی معدود افرادی، چندان پژوهش عمیقی در این باره صورت نگرفته بود. بعد از انقلاب، با اهمیت یافتن ارتباط میان فرهنگ و نقش آن در بازیابی هویت‌های ملی و دینی، سیاسی شدن پوشش اسلامی به مثابه نمادی دینی، و بازگشت به هویت دینی به شکلی مدرن، از جمله عواملی بود که بحث از پوشش و حجاب را به مسئله‌ای مهم در ایران و عرصه جهانی تبدیل کرد. امروزه نیز بعد از گذشت چندین دهه از انقلاب، همچنان بحث از پوشش و حجاب هرازگاهی به صدر مسائل کشور تبدیل می‌شود. حجم آثار پژوهشی مرتبط با این حوزه، حکایت از اهمیت و مسئله بودن حجاب در ایران دارد. از این رو، پژوهش حاضر درصدد است با روش فراترکیب، پژوهش‌هایی را که در این زمینه انجام شده، مورد بررسی قرار دهد.

## ۲. مبانی نظری

زیمل<sup>۱</sup> بر این باور است که رهایی انسان از چارچوب قیود و محدودیت‌های سنتی و ورود به عصر مدرنیته، فردیت یافت و شهر جایی است که این تحول در آن روی می‌دهد؛ اما این فردیت جدید تحت فشار ساختارهای جامعه مدرن بوده، و مصرف و مدگرایی یکی از راه‌های رهایی از این فشارها است. از نظر وی مردم به مدهای جدید و متفاوت سریع‌تر جذب می‌شوند؛ زیرا می‌خواهند به هویت شخصی متمایز خود شکل دهند و هویتی را که دوست دارند، برای خود بسازند (باکاک، ۱۳۸۱، ص ۲۶).

به نظر زیمل، در جوامع اولیه، افراد هویت خود را از گروه می‌گرفتند و از این رو بسیار همگن بودند، اما در جوامع مدرن فرآیند هویت‌یابی فردی شده است. در شهرهای بزرگ شخص چیزی را مصرف می‌کند تا هویتی را که دوست دارد، برای خود بسازد (همان). به عبارت دیگر، زیمل بر این امر تأکید دارد

1. Georg Simmel

که اگرچه دنیای مدرن منجر به آزادی افراد از اسارت شده است، اما خود محدودیت‌هایی را برای فرد ایجاد کرده است. پدیده‌ای چون مد (افراد طبقات پایین به مدهای طبقات فرادست روی می‌آورند) در جهان مدرن، از شیوه‌های نوین است که افراد به واسطه آن هویت خود را تعریف می‌کنند. یکی از حوزه‌هایی که مدگرایی در آن بسیار قابل توجه است، پوشش می‌باشد. امروزه زنان و دختران جوان بسیار ویژه به پوشش و لباس خود توجه دارند و از روندهای جهانی و متدهای مختلف غافل نبوده و به کارکردهای مدرن لباس، به ویژه هویت‌آفرینی آن بسیار توجه دارند.

کارکردهای دیگری که با پوشش بدن ارتباط دارد، کسب منزلت و جایگاه اجتماعی و متمایز شدن از دیگران است. ویلن<sup>۱</sup> از نخستین اندیشمندانی بود که به طور ویژه به مسئله پوشش و کارکردهای مختلف آن پرداخته است. وی در کتاب «نظریه طبقه تن‌آسا» وضعی را ترسیم می‌کند که در آن افراد تن‌آسایی و رفاه خود را به نمایش می‌گذارند و مصرف متظاهرانه و نمایشی را نه برای رفع نیاز، بلکه برای کسب اعتبار و منزلت اجتماعی

و جلب توجه انجام می‌دهند (ویلن، ۱۳۸۶، ص ۷۶). نکته مهم آنکه، «هیچ شیوه مصرفی مانند صرف هزینه در راه لباس پوشیدن، روشنگر این بحث نیست؛ زیرا لباس همیشه در معرض دیگران است و با یک نگاه وضعیت مالی شخص را به بیننده معرفی می‌کند و او را متمایز می‌سازد. مصرف لباس برجسته‌ترین نمود مصرف متظاهرانه طبقات است. پوشش در همه وجوه آن، از شیوه‌های متنوع پوشیدن تا انواع مختلف لباس، امری معنادار و دلالت‌مند است. تهیه لباس بیش از دیگر کالاهای مصرفی مردم را وادار می‌کند تا از راحتی و ضرورت‌های زندگی خود بکاهند و آنچه را حد مطلوب مصرفی تظاهری است، فراهم آورند» (همان، ص ۱۹۱-۱۹۲). لباس کارکرد دقیق‌تر و پیچیده‌تری نیز دارد؛ لباس نشان می‌دهد که پوشنده آن زیر فشار نیاز زندگی بخورنمیر نیست و این، ارزش و منزلت اجتماعی شخص را بالا می‌برد (همان، ص ۱۹۳). ویلن به مصرف به طور کلی و به پوشش به طور خاص خورده می‌گیرد که کارکردهای اولیه و اصلی خود را از دست داده و صرفاً جنبه نمایش و تظاهر به خود گرفته‌اند. از نظر وی، در این شرایط بسیار عادی است که شخص در محیط رسمی لباس ناراحتی بپوشد تا خوش‌پوش جلوه کند. نیاز به لباس بیش از آنکه نوع احتیاج باشد، تبدیل به امری تمایل و اختیار شده است. برای نمونه افراد با نحوه پوشش، آرایش و زیورآلات، خود و طبقه خود را از سایرین متمایز می‌کنند.

بوردیو<sup>۲</sup> نیز در خلال بحث از سرمایه فرهنگی و سبک‌های زندگی، به کارکردهای پوشش و مدیریت بدن توجه نموده است. وی انواع سرمایه را معرفی و از بین آن‌ها سرمایه‌های فرهنگی و به عبارت دیگر،

1. Thorstein Veblen
2. Pierre Bourdieu



مصرف فرهنگی را بسیار مهم و تعیین کننده می‌داند. گروه‌های مسلط، معیارهای فرهنگی و کسب زندگی خود را ارزشمند نشان می‌دهند و با این کار موقعیت هژمونیک خویش را قانونی جلوه داده و حفظ می‌نمایند. «سبک زندگی محصول سیستماتیک عادت‌واره است که از لابه‌لای رابطه دوسویه‌اش با عادت‌واره درک می‌شود و به نظامی از نشانه‌ها (نظیر ممتاز، عامیانه و غیره) تبدیل می‌گردد که به‌گونه‌ای اجتماعی مورد ارزیابی قرار می‌گیرد» (Bourdieu, 1984, p.172).

سبک‌های زندگی و ذائقه‌هایی که براساس سرمایه‌های مختلف فرد شکل می‌گیرند، منجر به مصرف کالاهایی می‌شوند که تمایز اجتماعی ایجاد می‌کند. بوردیو نشان می‌دهد که چگونه گروه‌های خاص، به‌ویژه طبقات اجتماعی - اقتصادی از میان انواع کالاهای مصرفی، روش‌های لباس پوشیدن، غذا خوردن، آرایش کردن، مبلمان و تزیینات داخلی انتخاب‌هایی را انجام می‌دهند تا روش زندگی مجزای خود را مشخص و خود را از دیگران متمایز کنند (همان). به‌عبارت دیگر، اغلب افراد تلاش می‌کنند با مصرف نوع خاصی از کالاها یا نوع خاصی از پوشاک، تغییر طبقاتی خود را اعلام کرده و یک هویت طبقاتی و سبک زندگی جدیدی را به دست آورند. بر مبنای دیدگاه بوردیو، یکی از کارکردهای پوشش، تمایزبخشی است. بوردیو در بحث از بدن نیز آن را وسیله اکتساب منزلت تمایز و پایگاه می‌داند. وی در تحلیل خود از بدن، به کالایی شدن در جوامع مدرن اشاره می‌کند که به‌صورت سرمایه فیزیکی ظاهر می‌گردد. بوردیو تولید این سرمایه فیزیکی را در گرو رشد و گسترش بدن می‌داند، به‌گونه‌ای که بدن حامل ارزش در زمینه‌های اجتماعی می‌گردد. از نظر او، بدن به‌عنوان شکل جامعی از سرمایه فیزیکی، دربردارنده منزلت اجتماعی و اشکال نمادین تمایز اجتماعی است. بوردیو با در نظر گرفتن بدن به‌عنوان یک سرمایه فیزیکی، اولویت‌های افراد را با ارزش‌های اجتماعی منطبق با اندازه، شکل و ظاهر بدنی مرتبط می‌سازد (Shilling, 1993, p.127).

بوردیو با ارائه مفاهیمی چون زمینه، عادت، سرمایه نمادین، سرمایه فرهنگی و سرمایه اجتماعی به مباحث جامعه‌شناسی بدن نزدیک شده است. وی با استفاده از مفهوم سرمایه فیزیکی، ارتباط ظاهر و ویژگی‌های جسمانی را به‌عنوان یکی از اشکال سرمایه، با دیگر صورت‌های آن تشریح می‌کند (ذکایی، ۱۳۸۶، ص ۱۲۴). بوردیو فضای اجتماعی را با چند محور ترسیم می‌کند: سرمایه اجتماعی، سرمایه اقتصادی، سرمایه فرهنگی (فاضلی، ۱۳۸۱، ص ۳۷). او هدف مدیریت بدن را اکتساب منزلت، تمایز و پایگاه معرفی می‌کند. بوردیو با در نظر گرفتن بدن به‌عنوان یک سرمایه فیزیکی، هویت افراد را با ارزش‌های اجتماعی منطبق با اندازه، شکل و ظاهر بدن متمایز می‌سازد (همان، ص ۱۳). حال از آنجایی که مدیریت بدن به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های اصلی سبک زندگی مطرح است، می‌توان گفت که سرمایه فرهنگی از طریق قریحه و سلیقه افراد و سبک زندگی‌شان تأثیر می‌گذارد؛ به‌نحوی که بر چگونگی مدیریت بدن افراد به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های سبک زندگی تأثیرگذار است (Bourdieu, 1984).

بوردیو بدن را منبعی برای سرمایه‌های اجتماعی می‌داند. طبقات اجتماعی مختلف به شیوه‌های مختلف با بدن خود برخورد می‌کنند. مراقبت‌های پزشکی و کنترل‌های عمومی بدن، رعایت رژیم‌های غذایی و ورزش و مشاوره با پزشکان، رفتارهایی هستند که درباره افراد متعلق به طبقات مختلف، متفاوت است. افراد طبقات بالاتر یا طبقات مرفه‌تر، فرصت و شانس بیشتری برای مراقبت از بدن خود دارند؛ در حالی که افراد طبقات دیگر که فرصت آموزش و امکانات کمتری برای مراقبت از بدن خود دارند، از داشتن بدنی سالم و نیرومند به مثابه یک سرمایه اجتماعی نیز محروم‌اند. تبدیل شدن بدن به اشیاء و محیط‌های اجتماعی نیازمند کنش کار است و این کنش، مردم را از نظر چگونگی نگهداشت شکل جسمانی بدن و نیز ارائه آن تحت تأثیر خود قرار می‌دهد. ناتمامی بدن و نیز پروژه بودن آن برای افراد مدرن، از دیگر نکات مورد اشاره بوردیو در تحلیل بدن است. بدن در اندیشه بوردیو ماهیت ناتمامی است که از یک‌سو حامل ارزش‌های نمادین بوده و از سوی دیگر توسعه و گسترش آن در ارتباط با نیروهای گوناگون اجتماعی، صورت می‌گیرد که این خود، برای نگهداشتن نابرابری‌های اجتماعی امری ضروری است. پروژه بودن بدن متمرکز متضمن این معنا است که نمای ظاهری اندازه، شکل و محتویات بدن به‌طور بالقوه، برای بازسازی در راستای طرح‌های دارنده بدن باز است (اخلاصی، ۱۳۸۶، ص ۸۰).

به عقیده بوردیو، هر فرد به‌طور ناخودآگاه رغبت‌هایی دارد؛ یعنی عادت‌واره‌های رفتاری، زبانی، داوری و ارتباطی که مختص آن طبقه است. این مجموعه همان خصلت است. خصلت ناخودآگاه بوده و شرایط اجتماعی تولید رفتارهای او را در نظری پنهان می‌دارد (شویره و فونتین، ۱۳۸۵، ص ۷۷-۷۸). بوردیو بر جنبه جسمانی شدی خصلت‌ها تأکید می‌ورزد، خصلت‌هایی که بر جسم‌ها، ژست‌ها، حالت‌ها و برخی جنبه‌های مشروط شدن طبقه اجتماعی که در نظر عاملان، طبیعی جلوه می‌کند، دلالت دارد و عاملان آن‌ها را جز با خصلت خود، در نمی‌یابند. نظریه خصلت شامل آن دسته از کنش‌هایی است که با دسته کنش‌های عقلی‌نگرانه تبیین‌پذیر نیست. عاملان به دلیل خصلت‌هایی که دارند، به‌خودی‌خود، انتخاب‌های خود را محدود می‌کنند، بی‌آنکه نیازی به محاسبه در مورد این کار داشته باشند (لوپز و اسکات، ۱۳۸۵، ص ۱۶۱).

### ۳. روش پژوهش

بهره‌گیری از روش‌های ترکیبی در چند سال اخیر با رشد مطالعات در حوزه‌های مختلف علمی با حجم بالای اطلاعات، رایج شده است. نظر به اینکه تسلط بر داده‌های پژوهشی در یک علم میسر نیست؛ محققان از روش نظام‌مند و علمی فرامطالعه جهت آگاهی از دستاوردهای پژوهشی پیشین بهره می‌برند.



فرا ترکیب یکی از این روش‌هاست؛ به تعبیری فرامطالعه شامل چهار نوع فراتحلیل (تحلیل کمی نتایج پژوهش‌های کمی پیشین)، فراروش (تحلیل روش‌شناسی مطالعات اولیه)، فرانظریه (تحلیل کیفی محتوای مطالعات اولیه) و فراترکیب (تحلیل کیفی نتایج پژوهش‌های کیفی پیشین) است (سهرابی و همکاران، ۱۳۹۰، ص ۹-۲۴). زیمل نیز فراترکیب را نوعی مطالعه کیفی می‌داند که از اطلاعات و یافته‌های استخراج شده از مطالعات کیفی با موضوعات مرتبط و مشابه استفاده می‌کند. در نتیجه نمونه مورد نظر برای فراترکیب، از مطالعات کیفی منتخب بر اساس ارتباط آن‌ها با سؤال پژوهش تشکیل می‌شود. فراترکیب، صرفاً مرور یکپارچه ادبیات موضوع مورد نظر نیست؛ بلکه تحلیل یافته‌های این مطالعات است (Zimmer, 2006). در ادامه، مراحل انجام پژوهش بیان می‌شود. با این توصیف می‌توان گفت روش فراترکیب نوعی روش تحقیقی است که برای ترجمه‌های تفسیری یا ایجاد تئوری با بهره‌گیری از یکپارچگی و مقایسه یافته‌های مختلف استفاده می‌شود. هدف فراترکیب ایجاد تفسیری خلاقانه و یکپارچه از یافته‌های کیفی است (Beck, 2002, p. 95).

به‌طور کلی دو نگاه بر «فرا ترکیب» حاکم است. رویکرد اول که «یکپارچه‌کننده» نام دارد، بر جمع‌آوری، گردآوری و یکپارچه کردن مطالعات پیشین تأکید دارد، به نحوی که نقاط مشابه یافته‌های مطالعات پیشین را شناسایی و آن‌ها را بر اساس متغیرهایی با قابلیت اعتماد بالا یکپارچه می‌کند و نیز نتایجی از نوع روابط علی میان پدیده‌ها و همچنین قابلیت تعمیم‌پذیری یافته‌ها را به دنبال دارد. نگاه دوم که «ترکیب تفسیری» است، بر تأویل و تفسیر مطالعات قبلی تأکید دارد. در این نگاه، مقایسه و تفسیر با اهمیت است؛ به این دلیل که با استفاده از نوعی استقراء، پیش‌بینی می‌کند که در شرایط مشابه ممکن است چه اتفاقی بیفتد و مقولات چگونه به هم مربوط می‌شوند یا با هم تعامل می‌کنند (Walsh & Downe, 2005, p. 208). در مطالعه حاضر از رویکرد اول یعنی «رویکرد فراترکیبی یکپارچه‌کننده» استفاده شده است.

### ۱-۳. مسئله پژوهش

از آنجاکه «تدوین مسئله» در تمام تحقیقات اولین گام است، از این رو باید بدین سؤال پاسخ داد که «مفهوم یا مداخله‌ای که قرار است مطالعه شود، چیست؟ در پاسخ به این سؤال، باید مشخص شود که کدام شواهد تحقیق، مربوط به مسئله مورد علاقه است. همچنین هنگام تشکیل مسئله، تصمیم‌گیری می‌شود که آیا شما علاقه‌مند به توصیف ساده متغیرها هستید یا علاقه‌مند به بررسی رابطه بین دو یا چند متغیر» (Cooper, 2016, p. 20). نظر به همین مسئله، محقق در پژوهش حاضر درصدد بررسی نگرش به حجاب و پوشش در دو دهه اخیر، تلاش



کرد همه پژوهش‌هایی را که از جوانب و ابعاد مختلف به موضوع «حجاب و پوشش» پرداخته بودند، رصد نماید؛ زیرا در فرا ترکیب توصیه می‌شود که حوزه مطالعاتی گسترده‌تری کافی داشته باشد تا مسئله مورد علاقه را به‌سوی خود جلب کند. در ضمن باید از متمرکز بودن هم بهره‌مند باشد، تا یافته‌های آن برای سیاست‌گذاران و محققان قابل استفاده باشد. به همین علت محققان معتقدند «سؤال تحقیق در فرا ترکیب باید در حیطه مطالعات قبلی محقق بوده و از علاقه‌مندی علمی نشأت گرفته باشد» (Finlayson & Dixon, 2008, p. 66).

### ۲-۳. جستجوی ادبیات تحقیق

برای انتخاب ادبیات مناسب تحقیق، دو رویکرد در فرا ترکیب وجود دارد. رویکرد اول بر یکسان بودن روش تحقیقات در تمام جامعه آماری تأکید دارد و رویکرد دوم به محقق اجازه می‌دهد که مطالعات با روش‌های کیفی مختلف را در جامعه آماری خود داشته باشد (Finfgwld, 2003, p. 899). بدین معنی که در حالت اول یکدست بودن مطالعات، و در حالت دوم تفاوت روش‌ها را به‌عنوان تفاوت در تجربه درک یک پدیده مشترک مدنظر دارد. در این تحقیق نیز محقق با رویکرد دوم به گردآوری داده‌های خود پرداخته است.

### ۳-۳. جستجو و انتخاب مقاله‌های مناسب

در این مرحله محقق لازم است فهرستی از مطالعاتی را فراهم آورد که جهت انجام پژوهش فرا ترکیب ضرورت دارد. استفاده از پایگاه‌های اطلاعاتی می‌تواند داده‌های مختلف را در اختیار محقق قرار دهد. «معیارهای ورود و خروج از مقالات ممکن است نیاز به سیالیت و انعطاف‌پذیری داشته باشد» (Erwin & et al., 2011, p. 192). در فرا ترکیب ایده‌آل آن است که همه مطالعات مرتبط در حوزه موردنظر بررسی شوند، و نه نمونه‌ای از آن (Sandeowski & et al., 1997, p. 369). در همین راستا، در این مرحله کلیدواژه‌های «حجاب»، «پوشش» در مرکز پایگاه اطلاعات علمی، بانک اطلاعات نشریه‌ها و مجله‌های ایرانی، پایگاه مجله‌های تخصصی نورمگز و ایران داک جستجو شدند. بیش از ۵۰۰ مقاله و ۳۰۰ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و حدود ۱۵ رساله دکتری در این موضوع مطالعه شد و تعداد ۱۱ مقاله، پایان‌نامه کارشناسی ارشد و رساله دکتری تا سال ۱۴۰۰ انتخاب گردید.

«مشخص بودن معیارهای ورودی و تناسب آن‌ها بسیار بااهمیت است؛ زیرا این معیارها تعیین‌کننده ورود یا عدم ورود در مطالعاتی است که برای اجرای یک فرا ترکیب انتخاب می‌شوند و به‌طور مستقیم بر روی کیفیت و حوزه آن تأثیر می‌گذارد» (Cooper, 2016, p. 112). از این‌رو، محقق از میان حجم زیاد مطالعات موجود، آن دسته از پژوهش‌هایی را که بیانگر نگرش درباره حجاب و عفاف بودند، چینه‌ساز کرده، و داده‌های لازم را استخراج نمود. همچنین این پژوهش‌ها براساس مؤلفه‌هایی چون مشخصات عمومی، اهداف و پرسش‌ها، روش تحقیق، متغیرها و دستاوردها مورد بررسی قرار گرفتند (جدول ۱).



## جدول ۱. مقالات و پژوهش‌های منتخب

کد پژوهش	نویسنده/نویسندگان	عنوان پژوهش
۱	خوشگویان، زرگر و تجاری (۱۳۸۸)	شناسایی نگرش بانوان ورزشکار نسبت به حجاب در ورزش به کمک کیو
۲	فاضلی و مزین (۱۳۹۲)	خوانش دانش‌آموزان دختر از کدهای پوششی مدرسه در دبیرستان‌های دخترانه تهران
۳	الیاسی سرزلی (۱۳۹۱)	تحلیل معانی و دلالت‌های پوشش نزد زنان طبقه: مورد مطالعه زنان ۱۵-۳۰ ساله شهر کرمانشاه
۴	عرب (۱۳۹۱)	الگوهای تفسیری قواعد فرهنگی: مطالعه شیوه‌های معنابخشی به پوشش
۵	کرم الهی و آقاسی (۱۳۹۱)	بررسی گرایش دختران دانشجو به حجاب و بدحجابی
۶	آبیار (۱۳۹۸)	پنداشت زنان ایرانی از حجاب براساس کنش متقابل نمادین
۷	ناظمیان علانی (۱۳۹۹)	مطالعه ماهیت و چگونگی مفهوم‌سازی حجاب نوجوانان دختر
۸	هاشمی (۱۳۹۶)	نقش تعدیل‌گرایانه استفاده از حجاب کامل در رابطه بین نگرانی و نارضایتی از تصویر بدنی و اضطراب اجتماعی دانشجویان
۹	داوری معینی (۱۳۹۳)	تحلیل پدیدارشناسی تن‌پوش حجاب در ایران
۱۰	جهانگیری ببادی (۱۳۹۶)	بررسی تجربه زیسته دبیران زن از آموزش عفاف و حجاب به دانش‌آموزان دختر دوره دوم متوسطه شهر اهواز
۱۱	عباس‌زاده و همکاران (۱۳۹۴)	فهم استفاده از چادر ملی با رویکردی پدیدارشناسی
۱۲	پاشا امیری (۱۳۹۵)	پژوهش کیفی در باب دلالت‌های معنایی حجاب در میان دختران جوان
۱۳	جلالی‌پور (۱۳۹۸)	تحلیل بازنمود پوشش زنان محجبه مشهور در اینستاگرام
۱۴	تقی‌زاده (۱۳۹۷)	بررسی جامعه‌شناختی نگرش شهروندان در مورد حجاب (مطالعه موردی شهروندان بالای ۱۸ سال شهرستان خرم‌آباد سال ۱۳۹۷)
۱۵	نوری (۱۳۸۸)	تعیین رابطه بین رویکرد تربیتی و نگرش دانش‌آموزان دختر مدارس متوسطه نواحی ۱ و ۶ شهر مشهد نسبت به حجاب
۱۶	آقایانی چاوشی و همکاران (۱۳۸۹)	دیدگاه جوانان و میان‌سالان در مورد حجاب برتر

## ۴-۳. استخراج اطلاعات و داده‌ها

در این مرحله «روند تجزیه و تحلیل داده‌ها با بازخوانی یافته‌ها از هر مقاله شروع می‌شود و به تدریج به سمت سنتز و تفسیر یافته‌ها در طول مطالعات حرکت می‌کند» (Finfgwld, 2003, p. 900). در اینجا تفسیر پژوهشگر از هر مقاله فقط تحت تأثیر مطالعات تحلیل شده در تحقیق است. پس از کنترل ورودی‌ها و گزینش مقالات و پایان‌نامه‌های مرتبط با سؤال تحقیق، مطالعه پژوهش‌ها صورت گرفت. بدین صورت که چکیده، روش، نتایج و تحلیل‌های هر پژوهش چندین بار مورد مطالعه قرار گرفته و به صورت جداگانه

واحدهای معنادار انتخاب شدند. هر واحد معنادار نیز کدگذاری و دسته‌بندی شدند. نمونه‌ای از نحوه استخراج داده‌ها در جدول شماره (۲) آمده است:

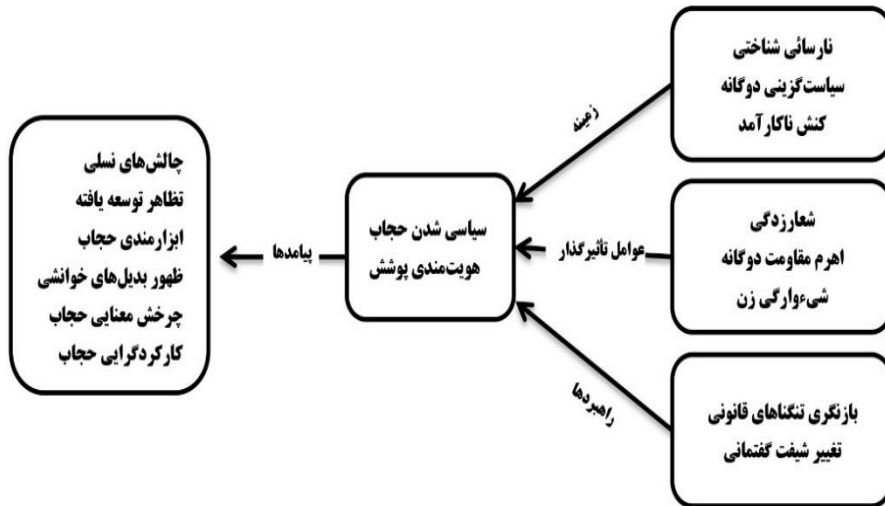
جدول ۲. نمونه استخراج داده‌ها

ردیف	واحدهای معنادار	کد
۱	یافته‌ها نشان داد به‌طور کلی نگرش مثبت نسبت به حجاب وجود دارد و پیامدهای مثبتی مانند افزایش احساسات خوشایند، افزایش اعتماد به نفس و امنیت اجتماعی را به‌عنوان دستاوردهای مثبت حجاب در کشور می‌دانند (کد پژوهش ۷)	نگرش مثبت همراه با پیامدهای مثبت
۲	تفاوت در مفاهیم از آنجایی است که افراد بنا بر تجربیات گذشته، رفتار و عملکرد خانواده، محیط آموزشی و محیط اجتماعی، نسبت به حجاب پذیرش یا عدم پذیرش دارند (کد پژوهش ۷)	نقش محیط و زمینه در پذیرش یا عدم پذیرش حجاب
۳	بیشتر شرکت‌کنندگان به مفهوم اجباری تا آزادانه بودن حجاب اشاره داشته و معتقدند که سیاست‌ها و عملکردها در حجاب به سمت اجباری بودن این مسئله در کشور است. (کد پژوهش ۷)	سیاست اجبار در حجاب از نظر کنشگران
۴	افراد اختیاری در انتخاب حجاب خود ندارند و معتقدند این مسئله باید به انتخاب خود افراد باشد و باید بدون محدودیت به شکل آزادانه درباره حجاب خود تصمیم بگیرند و مانند بعضی از کشورهای اسلامی در این مسئله، اجباری از طرف محیط و حکومت وجود نداشته باشد. (کد پژوهش ۷)	اعتقاد به اجباری بودن حجاب/ اعتقاد به آزادی دادن به انتخاب حجاب
۵	رفتارهای سخت‌گیرانه و قوانین خودساخته باعث ایجاد لجبازی و احساسات ناخوشایند در فرد شده و عاملی در عدم پذیرفتن حجاب به‌صورت قلبی و درونی است. (کد پژوهش ۷)	رفتارهای سخت‌گیرانه عامل نپذیرفتن حجاب/ خودساخته بودن قوانین حجاب
۶	اولین نکته‌ای که از نظرات شرکت‌کنندگان برداشت شد، آگاهی نسبت به حجاب است. برای تبلیغ و ایجاد گرایش به حجاب فعالیت‌های بسیاری انجام گرفته و از روش‌های متنوعی استفاده شده که بسیار کمک‌کننده بوده است. اما گروهی از شرکت‌کنندگان اشاره دارند که توضیح و تفسیر مسئله حجاب برای نوجوانان بیشتر بر طبق دستورات دینی مطرح شده و توجه به آموزش و تبلیغ حجاب از دیدگاه‌های مختلف و با استفاده از روش‌های جدید مهم به نظر می‌رسد. (کد پژوهش ۷)	استفاده از روش‌های متنوع در تبلیغ حجاب/ ضرورت استفاده از روش‌های نوین در تبلیغ حجاب/ غالبی بودن دیدگاه دینی به حجاب در تبلیغ
۷	خانواده اولین مکان تربیتی در نهادینه کردن حجاب است و نقش مهمی در پذیرش حجاب ایفا می‌کند. گاهی دیده می‌شود رفتار خانواده و عملکرد والدین هنگام مواجهه با مسئله حجاب، منطقی و اصولی و بر طبق سن نوجوانی توضیح و تفسیر داده نمی‌شود که نشان‌دهنده عدم شناخت کافی والدین نسبت نوجوان و مسئله حجاب است. (کد پژوهش ۷)	نقش خانواده در نهادینه کردن حجاب
۸	گاهی دیده می‌شود رفتار خانواده و عملکرد والدین هنگام مواجهه با مسئله حجاب، منطقی، اصولی و بر طبق سن نوجوان توضیح و تفسیر داده نمی‌شود که نشان‌دهنده عدم شناخت کافی والدین نسبت به نوجوان و مسئله حجاب است. (کد پژوهش ۷)	عدم شناخت کافی والدین نسبت نوجوان و مسئله حجاب



### ۵-۳. تحلیل و ترکیب یافته‌ها

پس از استخراج همه داده‌ها و کدگذاری آن در سطح اول، تلفیق و یکپارچه‌سازی کدهای مرتبط با هم در این مرحله انجام شد. در این مرحله از میان ۱۷۰ واحد معنادار، ۱۶۳ کد محوری استخراج شده در یک خوانش رفت و برگشت مورد مطالعه چندباره قرار گرفت و ۱۶ مقوله به دست آمد. «نارسائی شناختی، سیاست‌گذاری دوگانه، کنش ناکارآمد» به‌عنوان عوامل زمینه‌ای در نگرش به پدیده حجاب و پوشش در تحقیقات به دست آمد. «شعارزدگی، اهرم مقاومت دوگانه، شی‌ءوارگی زن» از عوامل تأثیرگذار، و ضرورت «بازنگری تنگناهای قانونی و تغییر شیفت گفتمانی» از مقوله راهبردها به دست آمد. پیامدها و اثراتی چون «چالش‌های نسلی، تظاهر توسعه یافته، ابزارمندی حجاب، ظهور بدیل‌های خوانشی، چرخش معنایی، حجاب کارکردی» در سنتز فراترکیب مقالات و پایان‌نامه‌های مرتبط به دست آمد. فرایند این ترکیب در نمودار شماره (۱) آمده است:



نمودار ۱. کدهای فراترکیب مقالات و پژوهش‌های حجاب

### ۶-۳. کنترل کیفیت

در مطالعات کیفی «قابلیت اعتماد»<sup>۱</sup> به جای پایایی و روایی استفاده می‌شود. سه سویگی محقق<sup>۲</sup> از جمله روش‌های قابلیت اعتماد اینگونه پژوهش‌ها است. در پژوهش حاضر برای این هدف، از دو کدگذار در کدگذاری‌ها استفاده شد. ضریب درون موضوعی کاپا<sup>۳</sup> جهت پایایی درونی مورد استفاده قرار گرفت. مقدار شاخص کاپای کوهن بین (۰ تا ۱) در نوسان است و هر اندازه این مقدار به عدد (۱) نزدیک‌تر باشد، حاکی از توافق بیشتر میان دو کدگذار است. از این‌رو، جهت دستیابی به این ضریب، از شخص دیگری برای کدگذاری استفاده گردید. شخص کدگذار بدون آگاهی از نحوه دسته‌بندی کدها، آن‌ها را مقوله‌بندی کرد. محقق ۱۶ مقوله و کدگذار دوم ۱۴ مورد کدگذاری کردند. ۱۱ مورد توافق وجود داشت. از این طریق ضریب مطابق فرمول زیر به دست آمد که سطح توافق دو محقق را در سطح مناسب نشان می‌دهد.

جدول ۳. کنترل کیفیت

		نظر محقق		
		Yes	No	Total
نظر خبره	Yes	A = ۱۱	B = ۳	۱۴
	No	C = ۵	D = ۰	۵
	Total	۱۶	۳	N = ۱۹

$$\kappa = \frac{\Pr(\text{توافقات}) - \Pr(\text{تصادفی})}{1 - \Pr(\text{تصادفی})}$$

$$\Pr(\text{توافقات}) = \frac{A + D}{N} = \frac{11 + 0}{19} = 0.578$$

$$\Pr(\text{تصادفی}) = \frac{A + C}{N} \times \frac{A + B}{N} \times \frac{B + C}{N} \times \frac{C + D}{N} = \frac{11 + 5}{19} \times \frac{11 + 3}{19} \times \frac{3 + 0}{19} \times \frac{5 + 0}{19} = 0.026$$

$$\kappa = \frac{0.578 - 0.026}{1 - 0.026} = 0.603$$

1. Trustworthines
2. Researcher triangulation
3. Kappa interclass-cirrelation



#### ۴. یافته‌های پژوهش

«نارسائی شناختی، سیاست‌گذاری دوگانه، کنش ناکارآمد» ازجمله عوامل زمینه‌ای است که مطابق پژوهش‌ها بر ساخته شد. این برساختگی در جدول (۴) آمده است:

جدول ۴. کدهای نارسائی شناختی، سیاست‌گذاری دوگانه، کنش ناکارآمد

نارسائی شناختی-پیشی	<p>عدم شناخت کافی والدین نسبت نوجوان و مسئله حجاب؛ حذف مرجعیت‌های گذشته در نسل جدید؛ حجاب عامل محدودیت و سلب آرامش (از دید برخی)؛ حجاب مانع فعالیت‌های اجتماعی در نسبت به جنس مقابل؛ دخالت عوامل متعدد در انتخاب سبک پوشش افراد؛ سلايق و ذائقه خود فرد اعتقادات دینی، فرهنگ و سنت، معیارهای زیبایی‌شناختی، یا فشارهای خانوادگی و اجتماعی، اعتقاد به انتخابی بودن پوشش و حجاب؛ هنجارهای مصرف در استفاده از انواع مد و مارک در پوشش؛ توجه به رویکردهای مدرن و تأثیرات جهانی در امر حجاب؛ نقش محیط و زمینه در پذیرش یا عدم پذیرش حجاب؛ نقش خانواده در نهادینه کردن حجاب؛ نقش محیط آموزشی در حجاب</p>
سیاست‌گزینی دوگانه	<p>رفتار متولیان دینی عامل کم‌توجهی نوجوانان به موقعیت‌های مذهبی؛ دوگانگی بر امر حجاب در میان مخالفان و موافقان حجاب؛ وجود واکنش دوگانه نسبت به حجاب؛ دیگری دیدن افراد در امر حجاب؛ شکست طرح چادر ملی؛ عدم انتشار اجتماعی طرح چادر ملی، کاربرد غیرفرهنگی و نقش‌پذیری غیرمقبول در آن؛ موانع استفاده از چادر ملی؛ سوء مدیریت، ساختارهای فراشخصی چون هویت قومی (محلی)، جامعه مردسالار (بی‌قدرتی زنان)، کلیشه چادر و فشار هنجاری؛ عدم استقبال از چادر ملی؛ برداشت اشتباه از سیاست‌های حجاب توسط کنشگران، غفلت متولیان از حساسیت‌های بستر فرهنگی، علت استفاده از چادر ملی؛ فشار هنجارهای مسلط بر کنش و کلیشه استفاده از چادر (معمولی و رسمی)؛ تمایز اجتماعی و بازنمایی بدن؛ ارزش‌های شخصی تعیین‌کننده در انتخاب پوشش، استفاده از نوع خاصی از پوشش (چادر ملی) ضد ارزش و نشانه عقب‌مانده بودن فرد</p>
کنش ناکارآمد	<p>روش‌های شبه تربیت در آموزش حجاب، احساس منفی در برخورد گشت ارشاد، ناکارآمدی گشت ارشاد در امر حجاب؛ عدم پوشش کامل در محیط بیرونی در سنین نوجوانی و مراحل ابتدایی بلوغ؛ تأثیر محیط پیرامونی (خانواده، مدرسه و جامعه) در رفتارهای پوششی جوانان در آینده؛ عدم همخوانی رفتار و منش افراد چادری با انتظارات اجتماعی از افراد متدین تهدیدی برای دینداری؛ پرهیز از انتشار تصاویر خصوصی و خانوادگی توسط زنان محجبه کنشگر به علت تضاد ظاهری با خانواده خود؛ نبود نسبت میان حجاب کامل دینی و برخورد عقیفانه؛ رها شدن الزامات ساختاری، رواج نگاه ابزاری و شیء به زن با حذف مرجعیت‌های گذشته؛ دیگری دیدن یکدیگر در میزان پایبندی به حجاب در قرائت رسمی یا غیررسمی از حجاب؛ مفهوم دگرسازی؛ تداغی‌گر مفهوم نظارت و کنترل اجتماعی، سبک پوشش و تمایلات عامل طبقه‌بندی و ارزش‌گذاری افراد، طبقه‌بندی و قضاوت صریح افراد براساس پوشش توسط افراد محجبه؛ تفاوت در تفسیر هنجارهای جامعه از جمله حجاب افزایش رویکرد مستبدانه تربیتی؛ نگرش منفی به حجاب، تقابل میان مرجعیت دین، جامعه و مرجعیت فرد در امر حجاب، پیروی نمودن حجاب از قواعد رفتاری چون سطح شناختی فرد و تأثیر بر جامعه‌پذیری آن، سیاست اجبار در حجاب، رفتارهای سخت‌گیرانه عامل نپذیرفتن حجاب</p>

«شعارزدگی، اهرم مقاومت دوگانه، شیءوارگی زن» از جمله عوامل تأثیرگذاری بوده که با ترکیب و سنتز کدهای مندرج در جدول (۵) به دست آمده است.

جدول ۵. کدهای شعارزدگی، اهرم مقاومت دوگانه، شیءوارگی زن

شعارزدگی	غالبی بودن دیدگاه دینی به حجاب در تبلیغ، مقدس بودن چادر در ذهنیت همه، کژ کارکردهای نگاه ایدئولوژیک محوری به مقوله حجاب، نگاه سیاسی - حکومتی به حجاب عامل نگاه تفکیکی دیدن حجاب و عفاف توسط کنشگران جوان، پیوند میان انقلابی‌گری و پوشش و انعکاس رسانه‌ای آن عامل تقابل میان حفظ نظام و حفظ حجاب
اهرم مقاومت دوگانه	استفاده از معیارهای بیرونی و غیرفردی جهت نظارت بر سبک پوشش توسط افراد با گرایش رسمی یا نزدیک بدان (گشت ارشاد)؛ تحمیل حاکمیتی پوشش به زنان، مقاومت زنان در سبک پوشش تحمیلی، افزایش فشارهای نظارتی موجب بروز خودنمایشی و ظاهری بیشتر در میان کنشگران؛ خودساخته بودن قوانین حجاب؛ تبعیت اجباری از کدهای آموزشی مدرسه؛ راه مفری برای رهایی از مشکلات احتمالی در فرایند تحصیلی در آینده
شیءوارگی زن	نگاه کالایی به زن عامل نوع پوششش، تغییر ذائقه مردان نسبت به زنان، تجربه «تحویل گرفته شدن» و ارائه خودنمایشی؛ پوشش و حجاب عامل احترام به زن؛ پوشش نامناسب عامل توهین به زن

کژکارکردهای نگاه ایدئولوژیک محوری به مقوله حجاب باعث ایجاد نگاهی تفکیکی به دو مقوله حجاب و عفاف در ذهن کنشگران جوان شده است. همچنین ایجاد پیوند میان حجاب به عنوان نماد انقلابی‌گری، تقابل میان حفظ نظام از یک سو و پایبندی به حجاب را در اذهان داخلی و خارجی ایجاد کرده و منجر به نوعی شعارزدگی در میان تفکر غالبی جامعه شده است. علاوه بر این، برخی کدها نشان می‌دهد که حجاب همچون نماد مقاومت از هر دو سو جایگاهی یافته است؛ بدین صورت که افرادی که خود را موافق حجاب و خوانش رسمی می‌دانند، با استفاده از معیارهای بیرونی چون الزام از طریق گشت ارشاد، در برابر بد پوششی «دیگری» مقاومت می‌کنند. از سوی دیگر، افرادی که با بُعد سیاسی هنجارمند جامعه موافق نیستند، از طریق عدم رعایت ساختار الزامی حجاب، مقاومت خود را نشان می‌دهند؛ به گونه‌ای که رعایت یا عدم رعایت حجاب به عنوان اهرم مقاومت دوگانه برای هر دو گروه خود را نشان می‌دهد. نگاه شیءوارگی به زن با تغییرات عصری نیز از عوامل اثرگذار در تغییر نگرش به پدیده حجاب شده است؛ به گونه‌ای که می‌توان از سطح ارائه خودنمایشی توسط زنان تا ترس از «تحویل گرفته نشدن» و



دیده نشدن توسط دیگران، این نگاه ابزاری را رصد کرد. ضرورت «بازنگری تنگناهای قانونی و تغییر شیفت گفتمانی» از ترکیب کدها و بازخوانی کدهای پژوهش‌ها نشان‌دهنده راهبرد در شرایط کنونی نسبت به نگرش و ذهنیت به حجاب و پوشش در ایران معاصر است. کدهایی که بر ساخته‌کننده این دو کد هستند، در جدول (۶) آمده است.

جدول ۶. کدهای بازنگری تنگناهای قانونی و تغییر شیفت گفتمانی

بازنگری تنگناهای قانونی	ضرورت بازنگری در قوانین حجاب، تعدیل سیاست‌های پوششی و ارائه حق انتخاب به زنان، وجود مشکلات در جامعه جهت انتخاب پوشش دلخواه
تغییر شیفت گفتمانی	استفاده از روش‌های متنوع در تبلیغ حجاب، ضرورت استفاده از روش‌های نوین در تبلیغ حجاب، ضرورت تغییر در محیط نوجوان جهت هویت‌بخشی، لزوم تغییر در روش‌های نهادینه کردن حجاب، برخورد محبت‌آمیز، غیرحذفی و غیرتحمیلی در دوران جوانی نسبت به حجاب، طراحی و ترویج سبک‌های مختلف پوششی مصلحت جامعه ایمانی، برقراری فضای گفتگو در میان اقشار جامعه درباره حجاب، وسیع دیدن امر حجاب در کنش‌ها با طبقه‌بندی متنوع افراد و عدم تأکید بر دسته‌بندی صریح افراد، وسیع دیدن امر حجاب در کنش‌ها راه‌گریز از تنگنای قواعد محدودکننده حجاب، بهره‌گیری از تجارب کشورهای دیگر در طراحی لباس برای زنان ورزشکار، ضرورت داشتن طراحی لباس ورزشی با رنگ‌های شاد و مطابق با سایر کشورها، استاندارد بودن جنس و نوع لباس ورزشکاران: عاملی برای محدودیت نبودن حجاب، آموزش ورزش با پوشش مناسب در ابتدای شروع به کار، کتب و منابع درسی و برنامه‌های مذهبی، ارتباطات و تعاملات معلم و استاد با دانش‌آموز و دانشجو، فضای آموزشی سازمان‌ها و گروه‌های موجود در مدرسه: راه‌های آشناسازی فرد با مفهوم حجاب

آنچه از طریق ترکیب و تلفیق کدهای پژوهش‌های موجود در پدیده حجاب و پوشش بیشتر نیازمند توجه است اینکه، «هویتی دیدن» حجاب و پوشش و در سطح کلان «سیاسی شدن» حجاب به‌عنوان علت دیده می‌شود که پیامدهایی را به دنبال داشته است. اگرچه کدهای «سیاسی شدن حجاب عامل کاهش گرایش به پوشش، ناتوانی دستگاه‌های فرهنگی در طراحی و ترویج سبک زندگی دینی و اسلامی، نگاه هویتی به حجاب، حجاب نماد مسلمانی، حجاب رسانه سیاسی - انقلابی، حجاب نماد بین‌المللی زن مسلمان، حجاب صادرکننده آرمان‌های انقلاب، تمایزبخش بودن و نماد بودن حجاب، هویت‌بخشی حجاب، تمایزآفرینی حجاب، حجاب عامل هویت قومی» ممکن است برای طیفی که مروج حجاب و پوشش به قرائت رسمی هستند، مثبت تلقی شود، اما نگاه هویتی به پوشش و حجاب می‌تواند روی دیگری نیز داشته باشد که بیشتر جنبه ارائه خودنمایشی است. دو پیامد «تظاهر توسعه‌یافته» و «چالش‌های نسلی» بیانگر این امر است. این کدها در جدول شماره (۷) آمده است:



جدول ۷. کدهای تظاهر توسعه یافته و چالش‌های نسلی ...

<p>چالش‌های میان نسلی</p>	<p>اعتقاد به اجباری بودن حجاب، اعتقاد به آزادی دادن به انتخاب حجاب، ناکارآمدی اعمال زور (قانون، تذکر، محدودیت در فضای مجازی) در امر حجاب، امکان کشف حجاب با تغییر نظام سیاسی، وجود تقارن میان حفظ نظام سیاسی و حجاب، تغییر شرایط فرهنگی نه به معنای تقویت، تضعیف یا حذف نظام سیاسی، تهی شدن اصل حجاب از حقیقت خود در صورت وجود ذهنیت تقارن میان تغییر فرهنگی و نظام سیاسی، چادر پوشش مؤمنانه/چادر نماد دینداری، الگومند کردن پوشش ناشی از فشارها و الزامات ساختاری، دلالت‌های دینی و حفاظ امنیتی، چالش میان معلمان و دانش‌آموزان در شیوه اجرای قوانین حجاب، شکستن قرائت هنجارمند سیاسی دینی توسط نسل جوان، اعم دین پوشش نسبت به حجاب، عمومی بودن پوشش، فراجنسی بودن حجاب، بازاندیشی در انتخاب لباس و رعایت حجاب، اهمیت پوشش در ایران: تنوع سبک‌های پوشش و دلالت‌های معنایی افراد از انواع این سبک‌ها</p>
<p>تظاهر توسعه یافته</p>	<p>تأثیر منفی نفاق و دورویی و تمرکز بر ظاهرگرایی بر گرایش حجاب، تغییر مدل و رنگ پوشش با توجه به اقتضات، محدود کردن فعالیت فرهنگی و هنری در حوزه کاری زنان کنشگر و مشهور محجبه، عدم نمایش فضای خصوصی در اینستاگرام از سوی فعالان سیاسی اجتماعی محجبه (وجود محدودیت در نمایش زندگی خصوصی برای افراد محجبه مشهور)، پرهیز از انتشار مسائل شخصی در فضای مجازی از سوی زنان محجبه فعال، پرهیز از نمایش محیط خصوصی در فضای مجازی توسط زنان محجبه، ارتباط مستقیم میان باز نمود فضای خانه و خانواده و حجاب، ریاکاری نهادینه شده از طریق نگاه ایدئولوژیکی به پدیده حجاب و پوشش، ارائه خودنمایشی و رد قرائت رسمی از حجاب توسط دختران جوان محجبه با پوشش متفاوت، رعایت هنجارهای پوششی به علت ترس از نهادهای نظارتی، به بار آوردن افتضاح، دردسر درست کردن برای والدین در غیاب آنان، رعایت حجاب برای حفظ منافع کاری، علمی و اجتماعی</p>
<p>ابزارمندی حجاب</p>	<p>استفاده از فضای مجازی برای اهداف سیاسی، حزبی و حرفه‌ای توسط زنان محجبه کنشگر، استفاده از فضای مجازی برای اعتباربخشی به جایگاه خود در میان زنان مشهور محجبه، استفاده از فضای مجازی برای پیشبرد نظام ارزشی و اعتقادی خود در میان زنان مشهور محجبه، حجاب وسیله کسب درآمد اقتصادی، حجاب عامل محدودیت در بازنمایی تمام ابعاد زندگی زنان محجبه مشهور (زنان چادری بیشتر)، ارائه خودنمایشی و باز تغییر هویت از طریق رفتارهای کنشی در تمام حالات رفتاری و گفتاری، حجاب ابزاری برای نشان دادن چهره خود به‌عنوان فعال سیاسی و اجتماعی، حجاب ابزاری برای کنشگری سیاسی</p>
<p>ظهور بدیل‌های پوششی</p>	<p>شخصی و اختیاری دین حجاب، اختلال در رفتار دینی ناشی از تضادهای رفتارهای دینداران، تغییر و دگرگونی در سیاست‌های حجاب و عفاف در ایران، خصوصی دیدن امر حجاب توسط افراد با گرایش غیررسمی یا مخالف با گرایش رسمی از حجاب، به پرسش گرفتن مرجعیت بیرونی توسط افراد با گرایش غیررسمی یا مخالف با گرایش رسمی از حجاب، نشان دادن واکنش عاطفی به طبقه‌بندی‌های متنوع و شخصی توسط افراد با گرایش غیررسمی یا مخالف با گرایش رسمی از حجاب، تعریف حجاب به امری اخلاقی: فاصله گرفتن از تعریف رسمی حجاب، موقعیت‌مند کردن پوشش، متنوع کردن طبقه‌بندی‌ها، تعلیق قضاوت به موقعیت: ناممکن کردن قضاوت رسمی از پوشش، تأکید بر ملاک‌های باطنی به جای تأکید بر ظاهر توسط افراد با گرایش غیررسمی: ناممکن کردن قضاوت و نظارت رسمی، تأکید بر ملاک‌های باطنی به جای تأکید بر ظاهر توسط افراد با گرایش غیررسمی: قضاوت براساس معیارهای اخلاقی (سخن پارادکسیکال)، طبقه‌بندی‌های متنوع، موقعیت‌مند کردن پوشش و به پرسش گرفتن مرجعیت بیرونی: افزایش آزادی فردی، حجاب به مثابه امر اخلاقی: خودتفسیری از حجاب به‌عنوان امری درونی، رواج پوشش عرفی، نبود رابطه میان دینداری و نگرش به حجاب، نبود رابطه میان رسانه، پایگاه اقتصادی-اجتماعی و حجاب، نبود رابطه میان دینداری و پوشش ظاهری</p>



<p>چرخش معنایی</p>	<p>عدم موفقیت حکومت در نظارت رسمی بر امر حجاب، عدم تأثیر نظارت‌های رسمی گشت ارشاد در بهبود بدحجابی، سیاست حکومتی حجاب: پیوند حجاب با نظام اخلاقی، نقش سیاست‌های کنترلی در تغییر مفهوم حجاب که سبب همنوایی و پیوند این مفهوم با نظام اخلاقی، سیاست‌های کنترلی- نظارتی از طریق گشت ارشاد یا افراد ذی‌ربط معیار تعیین حجاب، قرار دادن دیگری در بیرون از مقیاس خود از طریق سیاست کنترلی-نظارتی رسمی و غیررسمی، وجه مشترک کنترل‌های سیاسی و اجتماعی: خارج کردن برخی از افراد از دایره تعریف خود، قوی‌تر بودن بار کنترل‌های اجتماعی نشان‌دهنده فرهنگی بودن حجاب و نه سیاسی بودن، نقش سیاست‌های کنترلی در تبدیل حجاب از امر بیرونی به درونی، منعطف کردن قواعد فرهنگی باعث ناممکن کردن قضاوت ازجمله: قضاوت رسمی و کنترل‌های دولتی، منعطف کردن قواعد فرهنگی: چندمعنایی شدن حجاب، ایجاد فضای آزادی فردی: واکنش دوگانه و مبهم به حجاب، سیالیت پوشش در برابر الگومند کردن پوشش (فردی) شدن پوشش، پوشش پدیده متفاوت از حجاب، دلالت‌های زیبایی‌شناسانه، دلالت‌های روان‌شناسانه، تنوع‌طلبی، موقعیت‌مندی، نسبی بودن، الگوی پوشش رایج، مقاومت فرهنگی، الزام‌های ساختاری)، سیالیت پوشش در برابر الگومند کردن پوشش: تقابل دو الگوی متفاوت نسبت به حجاب</p>
<p>حجاب کارکردی</p>	<p>محدودیت نبودن حجاب برای ورزش، مورد توجه بودن حجاب ورزشکاران در مسابقات برون‌مرزی، دلالت‌مندی حجاب در عصر حاضر با توجه به فرآیندهای مدرن، حجاب مهم‌ترین مسئله جامعه ایران، کارکرد حفاظتی حجاب، کارکرد آرامش‌بخشی حجاب فردی و خانوادگی، سالم ماندن جامعه با رعایت حجاب، کارکرد آرامش‌بخشی فردی و اجتماعی حجاب، امنیت‌بخشی حجاب، رابطه معنادار داشتن بین دینداری و سرمایه فرهنگی و اجتماعی شدن با نگرش به حجاب، وجود رابطه معنادار میان حجاب و اجتماعی شدن</p>

منظور از «تظاهر توسعه‌یافته» این است که نگاه ایدئولوژیکی به پدیده حجاب و پوشش، در کمترین حالت خود نوعی «فاصله میان من فاعلی (I) و من مفعولی (me)» را در میان کنشگران جوان رواج می‌دهد که هر نوع پوششی را می‌تواند دربرگیرد. افراد آگاهانه تلاش می‌کنند با ارائه نقش‌های خود، دیگران را متأثر سازند؛ از این‌رو، نقش‌های نمایشی خود را ایفا می‌کنند. دختران جوان نیز در تماس با دیگران، با ارائه پوشش‌های خاص خود، طوری عمل می‌کنند که گویی دیگران تماشاگران صحنه ایفای نقش او هستند. در چنین حالتی، من فاعلی او، در این صحنه نمایش، به‌گونه‌ای و من مفعولی وی، به‌گونه‌ای دیگر ظاهر می‌شود. در هنگام نمایش من مفعولی، در حقیقت بازتابی از هنجارها و ارزش‌های جامعه را بروز می‌دهد که با جنبه دیگر خود، یعنی من فاعلی فاصله دارد. بررسی مطالعات نشان داد که بسیاری از این قشر، در برابر دوربین‌های نظارتی یا حراست، اقدام به پوشاندن مو یا رفتار به‌ظاهر عقیفانه می‌کنند؛ ولی با گذر از این موقعیت، فرد به همان وضع پوششی سابق برمی‌گردد. برخی افراد با بیانی چون ترس از نهادهای نظارتی، به بار آوردن افتضاح، دردرس درست کردن برای والدین در غیاب این نوع ظاهرسازی را نشان داده‌اند؛ یعنی در ظاهر خود را مقتید به هنجارهای تأییدشده از سوی نهادهای متولی پوشش و حجاب می‌دانستند؛ درحالی‌که بدان اعتقادی ندارند. این امر موجب افزایش روزه رشد یا تقویت من مفعولی پوششی حتی در میان کنشگران محجبه‌ای می‌شود که برای حفظ منافع کاری، علمی یا اجتماعی خود اجازه پوشیدن رنگ‌های شاد و روشن را ندارند. کنشگران جوان بخش زیادی از وقت خود را در بیرون از منزل یا در محیطی به سر می‌برند که مجالی برای بروز من

فاعلی وجود ندارد؛ این امر موجب می‌شود برخی چنان از نظر شخصیت دچار دوگانگی شوند که با یافتن مجالی هرچند کوتاه، به بروز من فاعلی مخفی شده در زیر حجمه و فشار من مفعولی دست بزنند که با هنجارهای پذیرفته شده جامعه فاصله بسیار دارد؛ یعنی این فاصله میان دو بخش از خود، در مورد افرادی که پوشش‌های دینی را برمی‌گزینند نیز صادق است؛ زمانی که در محیط کاری با آیین‌نامه‌های سخت پوششی هستند، با من مفعولی تقویت شده عمل می‌کنند و خارج از این الزامات، من فاعلی بروز دارد.

شاید وجود همین نوع نگاه سیاسی-حکومتی به حجاب است که «تفکیک میان حجاب و عفاف» را چنان به دنبال داشته که در میان مطالعات، کدهایی بر جدا بودن یا بی‌ربطی میان این دو کد (عفاف و حجاب) وجود دارد. به عبارتی، زمانی که در جامعه فشارهای نظارتی افزایش یابد و اجازه ظهور و بروز هویت‌های واقعی نباشد، بازیگر خود ظاهری و ریای پوششی را نمایش می‌دهد که پس پرده به گونه‌ای دیگر بود.

از دیگر پیامدهای دیگری که در تلفیق کدها به دست آمد، «ابزارمندی حجاب» است. بدین صورت که افراد با استفاده از پوشش خود درصدد دستیابی به هویت‌های جدیدی هستند، گیدنز نیز معتقد به هویت بخشی بدن و پوشش است؛ یعنی هویت اجتماعی مبتنی بر خویشتنی، متغیر و دارای حدی از بازاندیشی است. هویت همان چیزی است که فرد به آن آگاهی دارد و باید آن را به‌طور مداوم و روزمره بسازد و در فعالیت‌های بازاندیشانه خویش مورد حفاظت و پشتیبانی قرار دهد. حفظ مفهوم ثابت و پایداری از هویت، مستلزم پذیرفتن واقعیت چیزها و اشخاص دیگر جامعه است و به شبکه‌ای اجتماعی که فرد در آن حضور دارد، وابسته است. حال افرادی که خود را در طیف معتقدان به حجاب می‌بینند، آن را ابزاری برای به دست آوردن موقعیت سیاسی، اقتصادی یا فرهنگی و اجتماعی قرار داده‌اند، حتی این امر در میان کسانی که خود را در طیف مقابل این خوانش نیز می‌دانند، عدم رعایت حجاب می‌تواند در جهت جذب موقعیت یا مخاطبان بیشتر در فضای مجازی تعریف شود.

«ظهور بدیل‌های خوانش پوشش و حجاب» از پیامد مهم دیگری است که جامعه ایران در دو دهه اخیر با آن روبه‌رو شده است. خوانش اخلاقی، خوانش مبتنی بر انتخاب، حجاب به مثابه امری شخصی - خصوصی، از جمله این خوانش‌هایی است که به‌عنوان رقیب در برابر قرائت رسمی از حجاب و پوشش جایگاهی یافته است. همچنین نگاه عرفی به پوشش، یکی از این رقیب‌هاست؛ یعنی در جامعه علاوه بر مقاومت، مرجعیت‌زدایی صورت می‌گیرد که نتیجه آن عرفی شدن پوشش و حجاب را به دنبال دارد. مطالعات نشان می‌دهد که کنشگران با تکیه بر آزادی فردی و نفی محدودیت‌ها، آزادی را در سطح کلان برای دیگران نیز خواستارند. همچنین ضمن انتقاد به واقعیت‌های پوششی جامعه، با انتخاب آزاد خود، به‌نوعی هنجارگریزی در پوشش حداقلی اذعان دارد. «چرخش معنایی» در این نوع خوانش‌های بدیل نیز دیده می‌شود. فردی شدن پوشش، پوشش پدیده متفاوت از حجاب، دلالت‌های زیبایی‌شناسانه، دلالت‌های روان‌شناسانه، تنوع‌طلبی، موقعیت‌مندی، نسبی بودن، الگوی پوشش رایج، مقاومت فرهنگی،



الزام‌های ساختاری از جمله کدهایی هستند که منجر به این امر می‌شوند که برخی حجاب را امری فرهنگی، و برخی سیاسی ببینند. در همین راستا نوعی نگاه آسیب‌شناسانه به الزام‌های جامعه از طریق کنش اجباری به حجاب صورت گرفته و همواره هر دو طیف مخالف و موافق سخن از «دیگری» می‌گویند و تلاش می‌کنند تا با ارائه معنایی متفاوت از آنچه «دیگری» از حجاب و عفاف برداشت می‌کند، درصد حل مشکل حجاب و پوشش گام بردارند.

## ۵. نتیجه‌گیری

یکی از ویژگی‌های انسان مدرن، بازاندیشی است که گیدنز نیز بدان اشاره دارد. در بازاندیشی و آنچه گیدنز تکه‌برداری می‌داند، روابط اجتماعی از بافت‌های اصلی و محلی خود جدا می‌شوند و در تکه‌هایی نامعین از فضا، زمان و مکان مجدداً مورد بازاندیشی قرار می‌گیرند. تکه‌برداری در دنیای مدرنیته جدید، زندگی اجتماعی افراد را از حیطه نفوذ احکام و تکالیف از قبل تعیین شده خارج می‌کند. بررسی مطالعات و سنتز این کدها نشان داد که کنشگران جوان این عرصه نیز، در مورد پوشش و حجاب خود دست به بازاندیشی می‌زنند و تلاش دارند از موقعیت‌های متکثر و گاه متضاد یکی را برگزینند. این انتخاب در عرصه دین و مؤلفه‌های مرتبط با آن نیز صادق است که فرد در بین کنش و باورهای دینی خود نیز دست به انتخاب می‌زند. حال اگر در انتخاب یک کنش دینی چون مقوله حجاب و پوشش، فلسفه پذیرش و عمل بدان کنش، از قدرت اقتناع‌کنندگی لازم برخوردار باشد، ولی مصادیق آن، این توان را نداشته باشد، کنشگر فلسفه آن امر دینی چون حجاب را می‌پذیرد؛ ولی خود، قالب‌ها و صورت‌های متعددی به این کنش می‌دهد که با آن صورت غالب تعریف شده، فاصله معناداری دارد. این امر، رواج فردگرایی و خودمرجعی را سبب می‌شود که همچنان در حال گسترش است. بدین صورت که از یک‌سو حجاب در نگرش کنشگران جوان، عملی شخصی و اختیاری است و از سوی دیگر نیم‌نگاهی دینی نیز بدان دارند. این نوع نگاه، نشان از آن دارد که این کنشگران در عین اعتقاد به باور دینی حجاب، در حیطه رفتار دینی دچار اختلال شده‌اند.

رگه‌هایی از تغییر و دگرگونی نیز در سیاست‌های حجاب و عفاف در ایران در حال رخ دادن است. از ایده محدودیت (مصونیت) و قرائت غالب تا انتخاب بازاندیشانه، همه مفاهیمی هستند که در پدیده حجاب و تبدیل آن به یک «وضعیت اظهار شده» دخیل است. به عبارتی، بین مفاهیم حجاب چون مصونیت، اعتراض و مقاومت سیاسی تا هویت و انتخاب، امروزه ترکیب و آمیزه‌ای از این معانی برای زنان ایرانی قابل شناسایی است. متولیان اجرایی قرائت غالب نیز دریافته‌اند که اسلام سیاسی و گفتمان‌های جنسیتی آن، حامل این دگرگونی است؛ به نظر می‌رسد با پیوند میان انقلابی‌گری و پوشش و انعکاس رسانه‌ای آن، در آینده ممکن است حفظ نظام و آرمان‌های انقلاب، با حفظ حجاب و پوشش، در نوعی تقابل قرار گیرد، در چنین شرایطی، عدول یا عقب‌نشینی از برخی سیاست‌های پوششی از سوی متولیان اجرایی جامعه ایران، می‌تواند ضمن تعدیل برخی نگرش‌ها به مقوله حجاب و عفاف، حجاب را به‌عنوان یک حق و یک انتخاب برای زنان ایران مطرح کند.

## منابع

- آیبار، زهرا (۱۳۹۸). پنداشت زنان ایرانی درباره حجاب براساس کنش متقابل نمادین. رساله دکتری. دانشگاه ادیان و مذاهب قم.
- آقایانی چاوشی، اکبر؛ طالبیان، داوود؛ حبیبی، مهدی؛ دهاقین، وحیده؛ انوری، سمیه سادات (۱۳۸۹). دیدگاه جوانان و میانسالان در مورد حجاب برتر. علوم رفتاری، ۴(۱)، ص ۷۷-۸۱.
- اخلاصی، ابراهیم (۱۳۸۶). بررسی جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر مدیریت بدن. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه اصفهان.
- باکاک، روبرت (۱۳۸۱). مصرف. ترجمه خسرو صبری. تهران: نشر شیرازه.
- الیاسی سرزلی، فاضل (۱۳۹۱). تحلیل معانی و دلالت‌های پوشش نزد زنان طبقه متوسط: مطالعه زنان ۱۵-۳۰ ساله شهر کرمانشاه. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه کردستان.
- پاشا امیری، مسعود (۱۳۹۵). پژوهش کیفی در باب دلالت‌های معنایی حجاب در میان دختران جوان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه هرمزگان.
- تقی‌زاده، صبا (۱۳۹۷). بررسی جامعه‌شناختی نگرش شهروندان در مورد حجاب (مورد مطالعه شهروندان بالای ۱۸ سال شهرستان خرم‌آباد سال ۱۳۹۷). پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه آیت‌الله العظمی بروجردی.
- جلالی‌پور، بهناز (۱۳۹۸). تحلیل بازنمود پوشش زنان محجبه مشهور (چهره) اینستاگرام. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه سوره.
- جهانگیری بابادی، لیلیا (۱۳۹۶). بررسی تجربه زیسته دیران زن از آموزش عفاف و حجاب به دانش‌آموزان دختر دوره دوم متوسط شهر اهواز. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه شهید چمران اهواز.
- خوشگویان‌فرد، علیرضا؛ زرگر، طیبه؛ تجاری، فرشته (۱۳۸۸). شناسایی نگرش بانوان ورزشکار نسبت به حجاب در ورزش به کمک روش کیو. اسلام و علوم اجتماعی، شماره ۱، ص ۱۲۵-۱۳۶.
- داوری معینی، زهره (۱۳۹۳). تحلیل پدیدارشناسی تن‌پوش حجاب در ایران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه علم و فرهنگ تهران.
- ذکائی، محمدسعید (۱۳۸۶). نظریه و روش در تحقیقات کیفی. علوم اجتماعی، ۹(۱۷)، ص ۴۱-۶۹.
- سهرابی، بابک؛ اعظمی، امیر؛ یزدانی، حمیدرضا (۱۳۹۰). آسیب‌شناسی پژوهش‌های انجام شده در زمینه مدیریت اسلامی با رویکرد فرا ترکیب. چشم‌انداز مدیریت دولتی، ۶(۴)، ص ۹-۲۴.
- شویره، کریستیان؛ فونتن، اولیویه (۱۳۸۵). واژگان بوردیو. ترجمه مرتضی کتبی. تهران: نشر نی.
- عباس‌زاده، محمد؛ موسوی، سید حکیمه؛ زردموی، شاپور (۱۳۹۴). فهم استفاده از چادر ملی با رویکرد پدیدارشناسی. زنان و خانواده، ۱۰(۳۱)، ص ۳۷-۵۷.
- عرب، نصیبه (۱۳۹۱). الگوهای تفسیر قواعد فرهنگی: مطالعه شیوه‌های معنابخشی به پوشش. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. تهران: دانشگاه الزهراء.
- فاضلی، محمدصادق (۱۳۸۲). مصرف و سبک زندگی. قم: صحیح صادق.



فاضلی، نعمت‌الله؛ مزین، فرشته (۱۳۹۲). خوانش دانش‌آموزان دختر از کدهای پوشش مدرسه در دبیرستان‌های دخترانه تهران. جامعه‌شناسان ایران، ۱۴(۲)، ص ۱۲۳-۱۵۲.

کرم‌اللهی، نعمت‌الله؛ آقاسی، محمد (۱۳۹۱). بررسی گرایش دختران دانشجو به حجاب و بدحجابی. مطالعات و تحقیقات اجتماعی، ۱(۲)، ص ۱۳۹-۱۷۲.

لوپز، خوزه؛ اسکات، جان (۱۳۸۵). ساخت نظریه اجتماعی. ترجمه حسین قاضیان. تهران: نشر نی.

ناظمیان علائی، مطهره (۱۳۹۹). مطالعه ماهیت و چگونگی مفهوم‌سازی حجاب نوجوانان دختر. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه غیردولتی-غیرانتفاعی خاتم.

نوری، علی‌اصغر (۱۳۸۸). تعیین رابطه بین رویکردهای تربیتی (مستبدانه و دموکراتیک) و نگرش دانش‌آموزان دختر مدارس متوسط نواحی ۱ و ۶ شهر مشهد نسبت به حجاب در سال تحصیلی ۱۳۸۷-۱۳۸۸. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه بوعلی سینا همدان.

هاشمی، سید محبوبه (۱۳۹۶). بررسی نقش تعدیل‌گرانه استفاده از حجاب کامل (چادر) در رابطه بین نگرانی و ناراضی‌تی از تصویر بدنی و اضطراب اجتماعی دانشجویان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه گیلان.

وبلن، تورستاین (۱۳۸۶). نظریه طبقه تن‌آسا. ترجمه فرهنگ ارشاد. تهران: نشر نی.

- Beck, C. (2002). Mothering Multiples: a Meta-Synthesis of the Qualitative Research, *MCN. The American Journal of Maternal /Child Nursing*, 28(2), p. 93-99.
- Bourdieu, P. (1984). *Distinction: A social Critique of the judgment of taste*. Routledge.
- Cooper, H. (2016). *Research Synthesis and MetaAnalysis: A Step-by-Step Approach*. London: SAGE.
- Erwin, E.J., Brotherson, M.J. & Summers, J.A. (2011). Understanding Qualitative Metasynthesis: Issues and Opportunities in Early Childhood Intervention Research. *Journal of Early Intervention*, 33(3), p. 186- 200.
- Finfgeld, D.L. (2003). Metasynthesis: The state of the art so far. *Qualitative Health Research*, Vol.13, p. 893-904.
- Finlayson, K. & Dixon, A. (2008). Qualitative meta-synthesis: a guide for the novice. *Nurse Research*, 15(2), p. 59-71.
- Sandelowski, M., Docherty, S. & Emden, C. (1997). Focus on qualitative methods. Qualitative metasynthesis: issues and techniques. *Research Nurs Health*, 20(4), p. 365-71.
- Shilling, Ch. (1993). *Body and Social Theory*. London: Sage.
- Walsh, D. & Downe, S. (2005). Meta-synthesis Method for Qualitative Research: a Literature Review. *Journal of Advanced Nursing*, 50(2), p. 204-211.
- Zimmer, L. (2006). Qualitative meta-synthesis: A question of dialoguing with texts. *Journal of Advanced Nursing*, 53(3), p. 311- 318.